فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق) تابستان ۱۴۰۵ ۲۳(۲) ۳۱۶-۲۹۱



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷
شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

بررسی تطابق الگوی جمعی(CM) بر اساس عوامل توزیعِ« تفاوت تحصیلی» و «سهم درآمدی» با رفتار کار بازاری متاهلینِ ایرانی

لیلا سادات زعفرانچی*

** استادیار اقتصاد، گروه مطالعات میان رشته ای و توسعه اقتصادی، پژوهشکده اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،تهران، ایران.*

ایمیل: *l.zafaranchi@ihcs.ac.ir*

0000-0002-6292-4917

آدرس پستی: *تهران، بزرگراه کردستان، خیابان دکتر صادق آئینه وند (۶۴غربی)، کد پستی: ۱۴۳۷۷۷۴۶۸۱*

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL	واژگان کلیدی
تاریخ دریافت: ۲۶ خرداد ۱۴۰۳	***B21, D13, J22***	***الگوی جمعی، تفاوت تحصیلیِ زوجین، سهم درآمدیِ زوجین، کار بازاری***
تاریخ بازنگری: ٦ مهر ۱٤۰۳		
تاریخ پذیرش: ۲۸ آبان ۱٤۰۳		

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ارجاع به مقاله:
زعفرانچی، لیلا سادات. (۱۴۰۵). بررسی تطابق الگوی جمعی(CM) بر اساس عوامل توزیعِ« تفاوت تحصیلی» و «سهم درآمدی» با رفتار کار بازاری متاهلینِ ایرانی. *اقتصاد مقداری (بررسی‌های مقداری سابق)*، ۲۳(۲)، ۳۱۶-۲۹۱.
10.22055/jqe.2024.46774.2636

© 2026 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

چکیده گسترده

معرفی:

شـرایط بازار کار ایران نشـان می‌دهد که تاکید بر نرخ اشـتغال و بیکاری بدون پرداختن به زوایای دیگر بازار کار، در رفع معضل بیکاری و سیاست گذاری مناسب، کارساز نیست. از این منظر تمرکز بر رفتار شناسی خُرد طرف عرضهٔ کار با تمرکز بر گروه‌های هدف، به عنوان مقدمه¬ای جهت تبیین و اتخاذ سـیاسـت¬های مناسـب بازار کار درخور اهمیت اسـت. جریان مطالعاتی اخیر جهانی با اهدافی نظیر بهبود سیاستگذاری بازار کار متاهلینِ شاغل و جلوگیری از نتایج نامطلوب الگوهای غیر مرتبط در زمینهٔعرضـــه کار بازاری زوجین رو به گسترش است. بامعرفی الگوی واحد (Unitary Model)توسط گری بکر و گسترش دامنهٔ رویکردهای مختلف در تبیین رفتار کار بازاری خانوار، الگوی جمعی(CM)، به عنوان یکی از کاندیدهای مهم در این زمینه توسـط چیاپوری ((1988)معرفی شـد. الگوی جمعی (Collective Model) عرضه ساعات کار خانوار، سی و ششمین سال تولد خود را سپری می نماید و از موضـوعات درخور توجه محققان در حوزه بازار کار خانوار و در سـاحت اقتصاد خُردبه شمار رفته و منشا مطالعات پرشماری در سه دههٔ گذشته است (Donni & Molina,2018).

مسأله اصلی در این گروه از مطالعات پاسخ به این سوال کلیدی است که آیا در سـیاسـت های پرداختی(یارانه) و یا دریافتی(مالیات) از خانوار، دانسـتن اینکه کدام یک از زوجین دریافت کننده و یا پرداخت کننده اسـت، می‌تواند بر رفاه سـایر اعضـاء و همچنین تصمیمات اوقات فراغتی آنها اثر گذار باشد؟ (Chiappori & Mazzocco,2017). در الگوی جمعی (CM) با توجه به اثرگذاری برخی متغیرها به عنوان عوامل توزیع درآمد درون

خانواری موثر بر ساعات کار بازاری زن و شوهر و با بررسی اثر این عوامل بر توابع عرضهٔ ساعات کار زوجین، نتیجه می¬شود که هریک از زوجین لزوما رفتار ساعات کار بازاری یکسانی را در مقابل افزایش و یا کاهش مجموع درآمد غیر کاری خانوار نداشته و اینکه این افزایش درآمد غیرکاری مربوط به کدام زوج است، بر عرضهٔ ساعات کار متاهلین، اثرات متفاوتی دارد.

در این راستا اهتمام به گروه‌های هدف طرف عرضه بازار کار و بکارگیری الگویی مناسب جهت تبیین رفتار کار بازاری شاغلینِ متاهل، ضروری است. در این تحقیق دو متغیر تفاوت تحصیلات زن و شوهر و سهم درآمد هر یک از کل درآمد خانوار مبنای آزمون الگوی جمعی (CM)، در برآورد توابع عرضهٔ کار زنان و مردانِ متاهل و شاغل ایرانی قرار گرفته اند. نتایج نشانگر عدم قطعیت الگوی جمعی (CM) در رفتارشناسی خانوار ایرانی است.

متدولوژی:

به منظور رفتارشناسی سمت عرضهٔ بازار کار، نخست با توجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران باید رفتار عرضه کنندگان و مشارکت کنندگان در بازار کار تبیین و شناسایی شود. این مهم با مروری بر ادبیات نظری موجود در زمینهٔ رفتار کار بازاری متاهلین، از جمله الگوی واحد(Unitary Model) و الگوهای غیر واحد(N- Unitary Model)، و با معرفی شاخه‌های مطرح در حوزهٔ الگوهای غیرواحد (N- Unitary Model)، از جمله الگوهای همکارانه (Cooperative models) و غیر همکارانه(Non-cooperative models) در این مقاله تعقیب شده است. تمرکز پژوهش حاضر بر الگوی جمعی(CM) به عنوان شاخه‌ای از الگوهای همکارانه (Cooperative models) در خصوص رفتارشناسی کار بازاری متاهلین است. در الگوی جمعی(CM) با توجه به اثرگذاری عوامل توزیع(distribution factor) درون خانواری درآمد بر ساعات کار بازاری متاهلین، نتیجه می¬شود عوامل توزیع، بر انتخاب مصرف و ساعات کار زوجین تنها از طریق تاثیر بر محل انتخاب نقطه درمرز پارتو یا به عبارتی از خلال وزن ترجیحات زن و شوهر اثرگذار می¬باشند و از آنجا که این وزن یک بعدی نیست، به این معنا است که نسبت¬های تاثیرعوامل توزیع در دو تابع عرضهٔ ساعات کار زوجین یکسان خواهد بود(Bourguignon et al, 1995).

در همین راستا پژوهش حاضر با معرفی دو عامل توزیع تفاوت تحصیلی زن و شوهر و سهم هریک از زوجین از درآمدهای کسب شده در خانوار، به آزمون الگوی جمعی(CM)، بر اساس داده‌های کشور ایران پرداخته است. جهت تخمین معادلات ساختاری

عرضه ساعات کار زوجین؛ استفاده از روش متغیرهای ابزاری به جهت درونزایی متغیر لگاریتم دستمزد خودی و متقاطع، کارا تشخیص داده شد و جهت انتخاب روش ابزاری مناسب، مزّیت استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته(GMM) در مقایسه با سایر روش های ابزاری نظیر IV و 2SLS با وجود ناهمسانی واریانس به اثبات رسید. در نهایت با استناد به ادبیات نظری الگوی جمعی(CM)، شکل تبعی معادلات عرضهٔ ساعات کار زن و شوهر در خانوار بر اساس اطلاعات خُرد ۸۰۰ خانوار ایرانی و با تمرکز بر ویژگیهای خانوادگی و اقتصادی این گروه در توابعی فاقد محدودیت و با در نظر گرفتن دو عامل توزیعِ تفاوت تحصیلات و سهم هریک از زوجین از کلّ درآمد خانوار،برآورد گردید. در ادامه تاثیر متغیرهای معرفی شده در مطالعه بر رفتار کار بازاری شاغلینِ متاهل تحلیل و با توجه به دو عامل توزیع انتخابی تطابق الگوی جمعی(*CM*) با اطلاعات کشور ایران مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها:

یافته‌ها نشان می‌دهد، سکونت متاهلین در مناطق روستایی اثر منفی و معنادار بر عرضه ساعات کار بازاری زنان و مردان شاغل دارد. با افزایش سن، ساعات کار بازاری زنان و مردان متاهل کاهش می‌یابد. با افزایش سطح تحصیلات مردان متاهل، ساعات کار بازاری آنان افزایش می¬یابد در حالیکه با افزایش سطح تحصیلاتِ زنان متاهل به دلیل امکان دسترسی بیشتر این گروه تحصیلکرده به مشاغل پاره وقت و نیمه وقت، ساعات کار بازاری آنان بطور معناداری کاهش می¬یابد.

کشش دستمزد خودیِ مردانِ شاغل و متاهل مثبت و معنادار و غلبه اثر جانشینی بر درآمدی درآن مشهود و لذا شکل تابع عرضه ساعات کار مردان، استاندارد گزارش می¬شود. بالعکس نتایج در خصوص کشش‌های دستمزدی در برآورد تابع عرضه ساعات کار زنان متاهل نشان می‌دهد، کشش دستمزد زنان شاغل منفی و معنادار و غلبه اثر درآمدی بر جانشینی مشهود است.

متغیر «تفاوت تحصیلات زوجین(به نفع شوهر)» با ساعات کار بازاری مردان متاهل رابطه منفی و معنادار داشته و با ساعات کار بازاری زنان متاهل ارتباط معنی‌داری نشان نمی‌دهد. همچنین رابطه متغیر «سهم درآمد شوهر از کل درآمد خانوار» با ساعات کاری مردان متاهل مثبت و با ساعات کار بازاری زنان متاهل منفی و معنی‌دار است و لذا در نمونه مطالعه شده رفتار کار بازاری شاغلینِ متاهل با ادبیات نظری الگوی جمعی(*CM*) همخوانی ندارد.

نتیجه:

ارزیابی دو عامل توزیع درون خانواری، نشان می¬دهد که در نمونه مطالعه شده رفتار کار بازاری شـــاغلینِ متاهل با ادبیات نظری الگوی جمعی(CM) همخوانی ندارد. همچنان ســرپرســتی و تامین معاش از مردان در خانوار ایرانی انتظار می¬رود و زنان متاهل در پی توازن مســئولیت¬های زندگی و کار، زمان کار بازاری خود را به نفع نقش¬های خانوادگی کاهش می¬دهند. این امر ضـرورت سـیاسـتگذاری اشـتغال دوسـتدار خانواده (Family friendly working) را بخصــوص برای زنان شــاغلِ جوان و متاهل دو چندان می‌نماید. سـیاسـتگذار بازار کار باید ضـمن توجه به فشـار بار مسـئولیّت اقتصـادی مردانِ متاهل در خانوار ایرانی، به پر کردن شـکاف هزینه و درآمد خانوار و فراهم نمودن امکان توازن بیشـتر زمان کار- زندگی زنانِ متاهل و شاغل، دقّت نظر داشته باشد.

بر این اساس همچنان باید به فرض وجود تابع ترجیحات مشترک زوجین در خانوار ایرانی توجه نمود و توصیه می شود هرگونه سیاست پرداختی به خانوار (یارانه) و دریافتی از خانوار (مالیات) بر اساس شناسایی خانوارهای هدف و نه زوجین شاغل در خانوار، وضع و اجرا گردد.

Refrence

Apps, P. F., & Rees, R. (1988). Taxation and the Household. *Journal of Public Economics, 35(3)*, 355-369.

Ashraf Ganjavii, Reza. Hossein, Akbari Fard, Seyed Abdul Majid, Jalaei Esfandabadi & Mashaallah, Mashinchi. (2024). Estimating the Impact of Uncertainty of Macroeconomic and Foreign Trade Variables on Income Distribution among Income Deciles Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE), 21(2), 75-125. [in Persian]

Attanasio, O. & Lechene. V. (2014). Efficient responses to targeted cash transfers. *Journal of Political Economy ,122(1)*, 178 – 222.

Bargain, O., Orsini, K.& Peichl, A.(2014). Comparing labor supply elasticities in Europe and the US: new results. *Human Resources, 49(3)*,723–838.

Bautista Lacambra, S. (2020). *Household labor supply: Collective results for certain developed countries*, MPRA Paper 101514, University Library of Munich, Germany.

Blau, D. M., & Goodstein, R. M. (2016). Commitment in the household: Evidence from the effect of inheritances on the labor supply of older married couples. *Labour Economics, 42*, 123-137.

Bloemen, H. G. (2010). An empirical model of collective household labour supply with non-participation. *The economic journal, 120(543)*, 183-214.

Blundell R., Chiappori P.-A., & Meghir C. (2005). Collective Labor Supply with Children. *Journal of Political Economy, 113(6)*, 1277-1406.

Bourgignon, F., Browning, M., & Chiappori, P.-A. (1995). *The Collective Approach to Household Behavior*: University of Oxford. Queen Elizabeth House.

Browning, M., Chiappori, P.-A., & Lewbel, A. (2013). Estimating consumption economies of scale, adult equivalence scales, and household bargaining power. *Review of Economic Studies, 80(4),* 1267–1303.

Chiappori, P.-A , Meghir, C & Okuyama, Y (2024). *Intrahousehold Welfare: Theory and Application to Japanese Data*. NBER Working Paper No. w32645.

Chiappori, P.-A. (1992). Collective labor supply and welfare. *Journal of political economy, 100(3)*, 437-467.

Chiappori, P.-A., & Ekeland, I. (2006). The micro economics of group behavior: General characterization. *Journal of Economic Theory, 130(1)*, 1-26.

Chiappori, P.-A., & Mazzocco, M. (2017). Static and intertemporal household decisions. *Journal of economic literature, 55(3)*, 985-1045.

Chiappori, P.-A., & Meghir, C. (2021). *Household Labor Economics*. Edward Elgar Publishing.

Chiappori, P.-A., & Weiss, Y. (2007). Divorce, remarriage and child support. *Journal of Labor Economics, 25(1)*, 37–74.

Chiappori, P.-A., Fortin, B., & Lacroix, G. (2002). Marriage market, divorce legislation, and household labor supply. *Journal of political economy, 110(1)*, 37-72.

Chiappori, P.-A., Molina, J. A., Giménez-Nadal, J. I., & Velilla, J. (2019). *Intertemporal labor supply and intra-household commitment*. IZA discussion paper series.: 12353.

Chiappori, P.-A., Salanié, B., & Weiss, Y. (2017). Partner choice, investment in children, and the marital college premium. *American economic review, 107(8)*, 2109-2167.

Choo, E., Seitz, S., & Siow, A. (2008). *The Collective Marriage Matching Model: Identification, Estimation and Testing*. Univercity. of Toronto Working Paper, 340, 1-65.

Dasgupta, P.& Goldar, B. (2006). "Female labor supply in rural India: An econometric analysis". *Indian Journal of Labor Economics, 49 (2),* 293–310.

Donni, O., & Chiappori, P.-A. (2011). Non unitary models of household behavior: a survey of the literature. *Household economic behaviors, 1-40.*

Donni, O., & Molina, J. A. (2018). Household collective models: Three decades of theoretical contributions and empirical evidence. *IZA Discussion Papers: 11915.*

Evers; M., De mooij R.& Van Vuuren, D. (2008). The wage elasticity of labour supply: a synthesis of empirical estimates. *Economist,156*,25–43.

Galichon, A., & Salanié, B. (2022). Cupid's invisible hand: Social surplus and identification in matching models. *The Review of economic studies, 89(5)*, 2600-2629.

Giovanis, E., & Ozdamar, O. (2019). A collective household labour supply model with disability: Evidence from Iraq. *Journal of Family and Economic Issues, 40(2)*, 209-225.

Goussé, M., Jacquemet, N., & Robin, J.-M. (2017). Household labour supply and the marriage market in the UK, 1991-2008. *Labour Economics, 46*, 131-149.

Hendy, R., & Sofer, C. (2010). A Collective Model of Female Labor Supply: Do Distribution Factors Matter in the Egyptian Case? *Documents de travail du Centre d'Economie de la Sorbonne*, No. WP., 2010.35.

Jacob, B. A., & Ludwig,J. (2012). The Effects of Housing Assistance on Labor Supply: Evidence from a Voucher Lottery. *American Economic Review, 102 (1)* , 272-304.

Keshavarz, G., & Borhani, F. (2013). Gender Ratio and Intra-Household Collective Decision Process: Evidence from Iranian Household Labor Supply. *Journal of Economic Research (Tahghighat-E-Eghtesadi), 47(4),* 155-177.

khodaverdi samani, Maryam., Alizadeh, Mohammad & Fotros, Mohammad hasan. (2024). The effect of Financial Decentralization on Efficiency of Health Services Delivery in the Provinces of Iran during 2006-2016: Using Spatial Econometrics. Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE), 21(2), 34-74. [in persian]

Lacroix, G., & Radtchenko, N. (2011). The changing intra-household resource allocation in Russia. *Journal of Population Economics, 24*, 85-106.

Lyssiotou, P. (2017). The impact of targeting policy on spouses' demand for public goods, labor supplies and sharing rule. *Empirical Economics, 53*, 853-878.

Molina, J. A., Giménez-Nadal, J. I., & Velilla, J. (2018). Intra-household wealth and welfare inequality in the US: estimations from a collective model of labor supply. *IZA Discussion Papers:11707*.

Molina, J.A , Velilla, J & Ibarra, H.(2023).Intrahousehold Bargaining Power in Spain: An Empirical Test of the Collective Model. *Journal of Family and Economic Issues, 44(1),* 84-97.

Nash, J. F. (1950). The bargaining problem. *Econometrica, 18(2)*, 155-162.

Rapoport, B., Sofer, C., & Solaz, A. (2011). Household production in a collective model: some new results. *Journal of Population Economics, 24*, 23-45.

Rapoport, B.; Sofer, C. & Sola, A. (2011). Household production in a collective model: some new results. *Journal of Population Economics, 24(1)*, 23-45.

Wooldridge, J. M. (2010). *Econometric analysis of cross section and panel data*: MIT press.

Zafaranchi, L. s. (2020). Testing the "Unitary Model" of household labor supply. *Quarterly Journal of Quantitative Economics(JQE), 17(4)*, 61-87. doi:10.22055/jqe.2019.29237.2071 [In Persian]